

واکاوی دلایل بنیادین خطمشی گذاری عمومی در جامعه اسلامی ایران

اعظم میرزمانی*

علی اصغر پورعزت**

مجتبی امیری***

حسن دانایی فرد****

پذیرش نهایی: ۹۲/۱۰/۲۸

دریافت مقاله: ۹۲/۶/۱۸

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی چگونگی تأثیر اسلام بر دلایل بنیادین خطمشی گذاری در پرتو تحلیل هرمنوتیک و تحلیل محتوای کیفی جهتدار است؛ برای این منظور، ابتدا با بررسی هرمنوتیکی دلایل بنیادین اقدام در جریان غالب ادبیات خطمشی، نتیجه می‌گیرد که بنیادینترین دلیل خطمشی گذاری عمومی (اصل منفعت)، اصلی لیبرالی است که بر مبنای مفروضات فایده‌گرایانه درباره انسان و حکومت بنا شده است؛ سپس با استفاده از تم اصلی و مقوله‌های حاصل از هرمنوتیک به تحلیل محتوای آثار علامه جوادی آملی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که دلیل اصلی خطمشی گذاری عمومی در جامعه اسلامی، اصل حق است. در این پژوهش برای سنجش قابلیت اعتبار و تأیید تحلیل به خبرگان مراجعه شد؛ هم‌چنین برای تبیین دلیل بنیادین خطمشی گذاری عمومی در جامعه اسلامی ایران، امکان انتقال یافته‌های تحلیل، در معرض ارزیابی خبرگان قرار گرفت و این نتیجه به دست آمد که بر اساس نظر برخی از خبرگان، دلیل اصلی خطمشی عمومی در جامعه ایران، اصل حق‌مداری است در حالی که بخشی دیگر همچنان اصل منفعت را مورد اشاره قرار می‌دهند.

کلید واژه‌ها: اشاعه خطمشی، فرهنگ و جامعه، اسلام و جامعه، لیبرالیسم و جامعه.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دوره دکتری خط مشی گذاری عمومی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

azmir 990@ yahoo.com

pourezzat@ut.ac.ir

mamiri@ut.ac.ir

hdanaee@modares.ac.ir

** استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

*** دانشیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

**** دانشیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

گسترش خطمشی، پدیده‌ای رایج در میان کشورهای گوناگون جهان است. حکومتها به دلایل متفاوتی از یکدیگر الگوبرداری می‌کنند. فرض اصلی آنها این است که خطمشی، ابزاری بیطرف و عقلایی است. در مقابل، بسیاری از صاحب‌نظران برآنند که خطمشی‌ها، عصاره تاریخ و فرهنگ جوامع مبدع است (ودل^۱ و همکاران، ۲۰۰۵) و تحت تأثیر ویژگیهای آنها ابداع می‌شود (استورم، ۲۰۰۷). تأثیر ویژگیهای جامعه بر خطمشی، این اصل اساسی را مد نظر قرار می‌دهد که الگوبرداری از خطمشی، مستلزم توجه به ویژگیهای جامعه واردکننده آن است. اهمیت ماهیت سیاسی خطمشی، زمانی آشکار می‌شود که نقش غیرقابل انکار آن در فرهنگ‌سازی مورد توجه قرار گیرد. خطمشی‌گذاران با اتخاذ و اجرای خطمشی‌های وارداتی، سامانه ارزشی و جهان‌بینی جامعه ابداع‌کننده خطمشی را ترویج می‌کنند و نهادینه می‌سازند. نکته اینجاست که اگر این سامانه ارزشی با سامانه ارزشی جامعه واردکننده تضاد داشته باشد، ممکن است موجبات تغییر آن را فراهم آورد (هچ، ۱۳۸۵). این پژوهش بر آن است تا با استناد به نظریه انتخاب عقلایی نهادی و با استفاده از روش هرموتیک و تحلیل محتوای کیفی جهتدار، چگونگی تأثیر ویژگیهای جامعه را بر «دلیل بنیادین اقدام» مورد بررسی قرار دهد؛ بدین منظور در بخش اول پژوهش با استفاده از روش هرموتیک تلاش شد تا چگونگی تأثیر مفروضات و باورهای مبنایی بر شکل‌گیری دلیل بنیادین اقدام در خطمشی‌های جوامع لیبرال فهم، و در بخش دوم با بهره‌گیری از تحلیل محتوای کیفی جهتدار، دلیل بنیادین خطمشی‌گذاری در جامعه اسلامی ایران تبیین شود.

هر خطمشی، طرحی برای اقدام حکومت در جامعه است؛ طرحی که از عناصر و بخشهای گوناگونی تشکیل شده است. دلیل فعالیت یا اقدام حکومت^۲ در جامعه از جمله عناصر ضروری هر طرح خطمشی^۳ است. دلیل اقدام، خطمشی را توجیه می‌کند و به آن مشروعیت می‌بخشد (اینگرام^۴ و همکاران، ۲۰۰۷). این دلیل در پاسخ به سؤال از چرایی وجود و فعالیت حکومت در جامعه اقامه می‌شود. این سؤال، در مبنایی‌ترین سطح، سؤالی اخلاقی - فلسفی، و ماهیتا مستلزم قضاوت ارزشی

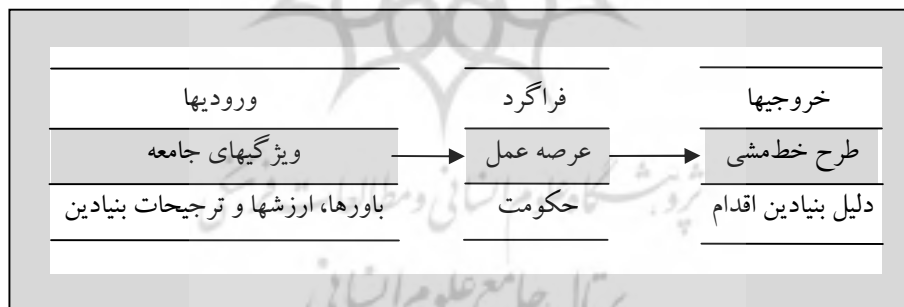
1 - Wedel

2 - Rational for government activity

3 - Policy Design

4 - Ingram

است و پاسخ آن از یک جامعه به جامعه دیگر تغییر می کند (اسپایسر^۱، ۲۰۰۸ و رادشلدرا^۲، ۱۹۹۹). نظریه انتخاب عقلایی نهادی، یکی از چارچوبهایی است که به بررسی نقش نهادها در فراگرد خط‌مشی گذاری عمومی می پردازد (استورم، ۲۰۰۷). سؤال اصلی این نظریه، این است که چگونه قوانین نهادی، رفتار عامدانه افراد را تغییر می دهند! پاسخ نهایی به این سؤال، این است که خط‌مشی گذاران، تصمیم‌های خود را در جوامعی می گیرند که هنجارهای اولیه و ساختار آن، موقعیت آنها را شکل می دهد و بر تصمیم‌های آنها اثر می گذارد. بر مبنای این نظریه، قوانین، وضعیت جهان و ویژگیهای اجتماعی بر نوع و نتایج اقداماتی اثر می گذارد که افراد می توانند انتخاب کنند. ویژگیهای اجتماعی، اغلب با واژه فرهنگ، مورد اشاره قرار می گیرد. ارزشها، ترجیحات و باورهای مشارکت کنندگان بالقوه عرصه خط‌مشی از جمله این ویژگیها به‌شمار می رود (استورم، ۲۰۰۷). در این پژوهش، تلاش شده است تا کم و کیف تأثیر این ویژگیها بر خروجی فراگرد خط‌مشی در سطح کلان، تبیین شود؛ به بیان دیگر، چگونگی تأثیر برخی از مبانی فلسفی و باورهای بنیادی جامعه بر کلانترین سطح عرصه عمل یعنی حکومت و بنیادینترین دلیل فعالیت آن در جامعه، مورد بررسی قرار گیرد (نمودار ۱).



نمودار ۱ - الگوی اولیه پژوهش

بخش اول - بررسی تأثیر ویژگیهای جامعه بر دلیل بنیادین خط‌مشی گذاری

امروزه جریان اصلی خط‌مشی گذاری اغلب تحت تأثیر قوانین لیبرالی مفهوم‌سازی می شود

1 - spicer

2 - Radschelder

(وینکلر^۱، ۲۰۱۱: ۲ تا ۷). مبنایی‌ترین دلیلی که در این مکتب سیاسی برای خط‌مشی‌گذاری عمومی اقامه می‌شود، اصل خوشی و به تبع آن اصل ضرر است (واحد استراتژی^۲، ۲۰۰۴). بر مبنای اصل خوشی، معیار تصمیم‌گیری در همه عرصه‌های جامعه، تأمین «بیشترین خوشی برای تعداد هرچه بیشتر» افراد است (دورانت، ۱۳۸۰، ج ۱۰: ۱۰۰۱). بر اساس اصل ضرر، «تنها مقصدی که به خاطر آن می‌توان قدرت مشروع را بر هر کدام از اعضای جامعه متمدن برخلاف اراده خود وی، اعمال کرد، این است که از زیان زدن او به دیگران جلوگیری شود» (میل، ۱۳۳۸: ۳۴ و ۳۵)؛ به بیان دیگر، معیار و ملاک تصمیم‌گیری در نهادهای اجتماعی، کنترل آزادی فردی به منظور هماهنگ نمودن منافع فردی با منافع جمعی است. بسیاری از صاحب‌نظران از جمله هابرماس معتقدند که جان استوارت میل و استادش بنتام، بذره‌های رویکرد متداول سازماندهی و کنترل دولتی (بشیریه، ۱۳۷۹) و به بیان دیگر خط‌مشی‌گذاری عمومی را در جهان لیبرال افشانده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد که بازخوانی هرمنوتیکی اندیشه‌ها و افکار میل به فهم دلیل بنیادین اقدام در خط‌مشی‌های لیبرالی کمک می‌کند.

روش‌شناسی هرمنوتیک: برای مطالعه تاریخی هر اندیشه، می‌توان از رویکرد تاریخ‌اندیشه بهره گرفت. این رویکرد، تلاشی برای ردیابی تولد و توسعه مفاهیم است (اسپایسر، ۲۰۰۸). در رویکرد تاریخی، روش‌های گوناگونی برای گردآوری و تحلیل اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد که هرمنوتیک از جمله آنهاست. هرمنوتیک با توجه به ماهیت و کارکرد به سه نوع روشی، فلسفی و انتقادی تقسیم می‌شود. در نوع روشی، هرمنوتیک روشی برای فهم علوم انسانی است. اسکینر، یکی از صاحب‌نظران این روش، فهم را ناظر بر رمزگشایی معنای متن می‌داند؛ فهمی که مستلزم بازیافت قصد نویسنده در نوشتن است. از نظر او، دستیابی به قصد نویسنده در هر کار مفروض، مستلزم این است که مطالعات زمینه‌ای به مثابه محور روش‌های تفسیری مدنظر قرار گیرد (اسکینر^۳، ۱۹۷۵: ۹) و نویسنده به جهانی بازگردانده شود که اندیشه‌هایش بدو در آنجا شکل گرفته است (اسکینر، ۱۳۸۰: ۱۷). از این‌رو، فهم متن با روش هرمنوتیکی اسکینر، مستلزم برداشتن دو گام اساسی است: گام اول، تعیین رابطه متن با زمینه ایدئولوژیک آن و یا فهم لغات مشترک، اصول،

1 - Winkler
2 - Strategy Unit
3 - Skinner

مفروضات، شاخصهای آزمون ادعای دانشی (گودهارت^۱، ۲۰۰۰)، سنت، عرف و قواعد حاکم بر استدلالهای سیاسی حاکم بر آن دوره و جامعه است. گام دوم، شناسایی و فهم مشکلات و راه‌حلهای عرضه شده به آنها در دوره مفروض است (نوذری و پورخداقلی، ۱۳۸۹)؛ بدین ترتیب می‌توان اهداف، انگیزه‌ها و مقاصد مؤلف را دریافت و متن را فهمید.

فهم افکار و اندیشه‌های جان استوارت میل در درجه نخست، مستلزم بازآفرینی محیط فکری و سیاسی انگلستان اواخر قرن هجدهم تا اواسط قرن نوزدهم است. هدف از این امر، آشنایی با زمینه ایدئولوژیکی و مشکلات و راه‌حلهای سیاسی است که میل با آنها روبه‌رو بوده است.

بازآفرینی محیط فکری جان استوارت میل: میل در محیطی می‌زیست که هنجارها، مفروضات، اصول و قواعد روشنگری، فایده‌گرایی و رمانتیسم بر آن حاکم بود. روشنگری جریانی بود که توسط عده‌ای از فیلسوفان فرانسوی و با الهام از اندیشه‌های برخی از فیلسوفان انگلیسی بویژه تامس هابز به راه افتاد (دورانت، ۱۳۸۰، ج ۹). هابز، انسان را موجودی مادی می‌دانست که بیرون و درون او چیزی جز ماده نیست (دورانت، ۱۳۸۰، ج ۱۱: ۸۸۴). روشنگری، نتیجه طبیعی نهضت‌های رنسانس و پروتستانیسیم بود (دورانت، ۱۳۸۰، ج ۹). رنسانس، جریانی بود که عصاره آن «کام دل گرفتن از دنیا به حد اکمل و زیبا ساختن آن» (دورانت، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۵) تلقی می‌شد و نتیجه‌اش، معطوف‌ساختن علاقه انسان از جهان آخرت به زندگی زمینی بود (شاپیرو، ۱۳۸۰). رنسانس، اومانیسیم یا انسانگرایی را احیا کرد (آربلاستر، ۱۳۶۸: ۱۴۹). انسان‌گرایان، نگاه دنیوی داشتند و اقداماتشان بر لذت‌جویی و رستگاری این جهانی متمرکز بود (شاپیرو، ۱۳۸۰: ۱۷-۱۳). فیلسوفان روشنگری تأثیر پذیرفته از رنسانس (دورانت، ۱۳۸۰، ج ۵)، ادعا کردند که عالیت‌ترین هدف انسان، رسیدن به خوشبختی در این جهان است (شاپیرو، ۱۳۸۰). پروتستانیسیم یا اصلاح دینی، جنبشی بود که به رهبری مارتین لوتر، علیه کلیسای کاتولیک شکل گرفت. این جریان با ابداع دو اصل "قضاوت شخصی" و "خصوصی بودن دینداری"، زمینه شکل‌گیری روشنگری را فراهم ساخت. بر مبنای اصل قضاوت شخصی، هرکس کشیش خویش است و می‌تواند کتاب مقدس را تفسیر کند (دورانت، ۱۳۸۰: ج ۶). بر مبنای خصوصی بودن دینداری، مسیحیان باید از قدرتهای سیاسی فرمان ببرند و وجود این قدرتها از خواست خداست. اما خداوند جز به خویشتن به کسی اجازه نمی‌دهد که بر روح مردم فرمان براند (دورانت، ۱۳۸۰: ج ۶). انجیل نیز در امور دنیوی دخالت

نمی‌کند. لوتر با این اصول از یک سو میان جهان دینی و دنیوی و از سوی دیگر میان ایمان و عقل تمایز قائل شد (آربلاستر، ۱۳۶۸). فیلسوفان روشن‌اندیش تحت تأثیر جریان اصلاح دینی (دورانت، ۱۳۸۰: ج ۶) به مبارزه با مسیحیت پرداختند (دورانت، ۱۳۸۰، ج ۹) و سنت را غیر عقلانی و مانع رشد انسان دانستند (ریترز، ۱۳۸۲). آنها ادعا کردند که آسایش انسان، تابع استفاده از عقل ره‌اشده از قیود دینی و آموزه‌های مابعدالطبیعی است (کاپلستون، ۱۳۷۰، ج ۶). فایده‌گرایی، مکتبی اخلاقی بود که جرمی بنتام در امتداد جریان روشنگری (راسل، ۱۳۷۵) و تحت تأثیر هیوم (دورانت، ۱۳۸۰، ج ۱۰) آن را شرح داد و مبانی قانونگذاری را با آن منطبق کرد (کاپلستون، ۱۳۷۰، ج ۸). هیوم، نمود روشنگری در بریتانیا، مدعی بود که اخلاق از دین جدا، و بر مبنای انگیزه‌های عمومی انسانها بنا شده است (گرین، ۱۳۷۴). شعور اخلاقی انسان از همدردی و حس نوع‌دوستی او در برابر دیگران نشأت می‌گیرد. همه شهوات بر پایه درد و لذت بنا شده است و تشخیص و داوری اخلاقی انسان هم در نهایت از همین سرچشمه ریشه می‌گیرد (دورانت، ۱۳۸۰: ج ۹). بنتام به تبعیت از هیوم، ادعا کرد که انسان موجودی تجربی است و به صورت طبیعی، خواستار کسب لذت و رفع درد است. در واقع طبیعت، انسان را تحت سلطه لذت و درد قرار داده است. اعمال شایسته، رفتاری است که در جهت افزایش لذت است و اعمال ناشایست، رفتاری است که در جهت کاهش آن است. حکومت موظف است برای تأمین خوشی اعضای جامعه تلاش کند (کاپلستون، ۱۳۷۰، ج ۸). رمانتیسیم، نهضتی بود که در اعتراض به افکار روشنگری شکل گرفت. این نهضت، شورش احساس علیه عقل، تنهایی علیه اجتماع، مذهب علیه علم، آزادی فردی علیه نظام اجتماعی، دموکراسی علیه حکومت اشرافی، فرد علیه دولت و به طور خلاصه شورش قرن نوزدهم علیه قرن هجدهم بود (دورانت، ۱۳۸۰، ج ۱۰).

بازآفرینی محیط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی میل: میل در محیطی می‌زیست که لیبرالیسم بشدت از جانب دموکراسی (در معنای برابری طلبانه آن) و سوسیالیسم تهدید می‌شد. انگلستان در این دوره، تحت حاکمیت نوعی حکومت لیبرالی قرار داشت (شاپیرو، ۱۳۸۰)؛ حکومتی که محصول انقلاب پروتستانی ۱۶۸۸ بود و زمینه آن توسط اصول "قضاوت شخصی" و "خصوصی بودن دینداری"، فراهم شده بود. لاک پدر لیبرالیسم با تکیه بر این دو اصل (دو سال بعد از این انقلاب)، نظریه سیاسی خود را به مثابه شالوده فلسفی آن انقلاب عرضه کرد. نظریه او، پاسخی به نظریه رابرت فیلمر بود؛ نظریه‌ای که مدعی بود دولت، قدرت خود را از خداوند می‌گیرد (اوزر،

۱۳۸۶). در مقابل، لاکه ادعا کرد که حکومت محصول قرارداد، و وکیل همه مردم است (دورانت، ۱۳۷۸، ج ۸)؛ هدف آن تضمین آزادیهای قانونی است و قدرت آن، صرفاً به امور این جهانی محدود می‌شود (شاپیرو، ۱۳۸۰). حکومت لیبرال انگلستان بر آزادی اقتصادی تأکید کرد؛ اما آزادی سیاسی را چندان نمی‌پذیرفت (بویو، ۱۳۷۶: ۹۲). بنابراین به‌رغم رواج آزادی اقتصادی یا لسه‌فر، آزادی سیاسی محدود بود. قدرت ظاهراً در دست مجلس عوام، ولی عملاً در انحصار مجلس اشراف قرار داشت (دورانت، ۱۳۸۰: ج ۱۱). این امر، موجب سوء استفاده اشراف از قدرت پارلمان شد و در نهایت به بروز جنبش‌های سوسیالیستی و اصلاح‌طلبانه انجامید. سوسیالیسم، نهضت طبقه کارگر بود؛ طبقه‌ای که در وضعیت فوق‌العاده زجرآوری قرار داشت (راسل، ۱۳۷۵). مسئله اصلی سوسیالیست‌ها، آزادی اقتصادی و مالکیت خصوصی بود (بویو، ۱۳۷۶). اصلاح‌طلبی، جنبش طبقه متوسط بود و شاخه سیاسی آن، رادیکالیسم فلسفی نامیده می‌شد (شاپیرو، ۱۳۸۰). رادیکالها برای دموکراسی تلاش می‌کردند (راسل، ۱۳۷۵)؛ منظور آنها از دموکراسی، گسترش حق رأی طبقه متوسط بود (دانشنامه فلسفی دانشگاه استنفورد^۱، ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۷).

انگلستان از قرن سیزدهم، شاهد حضور نهادهای نمایندگی در کنار نهاد سلطنت بود؛ با این حال، بسیاری از مردم، حق رأی نداشتند (راسل، ۱۳۷۵). جریان رادیکال در امتداد جریان روشنگری شکل گرفته بود (راسل، ۱۳۷۵) و با اهداف انقلاب فرانسه، برافتادن رژیم اشرافگرا را طلب می‌کرد (دانشنامه فلسفی دانشگاه استنفورد، ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۷) در عین حال با برخی از مفروضات بنیادین این انقلاب، مخالف بود. انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، انقلاب طبقه متوسط علیه اشراف بود (دورانت، ۱۳۷۴، ج ۷) که به جایگزینی سلطنت با دموکراسی انجامید (دورانت، ۱۳۸۰، ج ۱۱). انقلابیون فرانسوی ادعا می‌کردند که افراد بشر، آزاد متولد شده‌اند؛ از حیث حقوق با یکدیگر مساویند و هدف از تشکیل اجتماعات سیاسی، صیانت از حقوق طبیعی افراد جامعه است (دورانت، ۱۳۸۰، ج ۱۱). اما رادیکالها به پیروی از بنیادین، ادعا می‌کردند که چیزی به نام حقوق طبیعی وجود ندارد و باید اصل منفعت‌جانشین آن شود (بویو، ۱۳۷۶). اغلب آنها با قوانین مربوط به کارخانه‌ها، مخالفت می‌کردند و در حمایت از لسه‌فر افراط می‌ورزیدند. جریان اصلاح‌طلبی در ۱۸۳۲، پیروز شد و کنترل پارلمان را در دست گرفت (راسل، ۱۳۷۵). با برتری اصلاح‌طلبان بر مجلس، جریان سیاسی آشوب‌طلبانه‌ای به نام چارتریسم در میان کارگران شکل گرفت که لحن سوسیالیستی

1 - Stanford Encyclopedia of Philosophy

خطرناکی داشت. چارتیست‌ها تلاش می‌کردند با تسری حق رأی به طبقه کارگر و به نام دموکراسی، کنترل بر پارلمان را به دست آورند. این درخواست با مخالفت بسیاری از گروه‌ها از جمله رادیکال‌های فلسفی روبه‌رو شد (شاپیرو^۱، ۱۹۴۳).

بازآفرینی محیط فکری و سیاسی جامعه انگلستان قرن نوزدهم، نشان داد که این جامعه، شاهد تهدید روشنگری از سوی رمانتیسم و هم‌چنین لیبرالیسم از سوی سوسیالیسم و دموکراسی بود؛ مفهوم دموکراسی گاه فقط به "حاکمیت اکثریت" تفسیر می‌شد و گاه تا تقاضاهای برابری طلبانه توسعه می‌یافت. اصلی‌ترین مسئله سیاسی پیش روی این جامعه، حق رأی توده بود. اما در مجموع بیم آن می‌رفت که جریان روشنگری، متوقف، و لیبرالیسم، مغلوب انقلاب‌های سوسیالیستی و دموکراسی خواهانه شود.

اهداف، انگیزه‌ها و راهکارهای جان استوارت میل: هدف اصلی میل، نجات روشنگری و لیبرالیسم بود. او برای این منظور با استفاده از اصل فایده، میان روشنگری و رمانتیسم از یک سو و لیبرالیسم، سوسیالیسم و دموکراسی از سوی دیگر پیوند برقرار کرد. میل، به همت پدرش و بنام در مکتب فایده‌گرایی (شاپیرو، ۱۹۴۳) و به مثابه یک رادیکال فلسفی پرورش یافت. رادیکال‌ها سخت مخالف فلسفه رمانتیک بودند (راسل، ۱۳۷۵). بنابراین احساسات انسانی، در پرورش و تربیت میل جایی نداشت؛ از این رو او در جوانی به افسردگی شدید مبتلا شد. اما با خواندن اشعار وردزورث، شاعر رمانتیک، بهبود یافت. اوج توسعه احساسی او زمانی بود که با خانم تیلور آشنا شد؛ کسی که به اعتقاد میل از طریق همدلی و همدردی زیاد با طبقه کارگر، چشمان او را به دورنمای جدیدتر پیشرفت انسانی باز کرد (شاپیرو، ۱۹۴۳). میل در تمام عمر برای اصلاح عقلانی تلاش کرد (پارسونز، ۱۹۷۲). سرمشق او در این تلاش دائمی، فیلسوفان فرانسوی قرن هجدهم بودند (میل، ۱۳۸۰).

هدف محوری جان استوارت میل، اصلاح جهان به منظور پیشرفت نوع بشر بود. او اصلاح را «پیشرفت در عالیترین مفهوم و از هر لحاظ» (میل، ۱۳۸۰: ۱۳۶ تا ۱۸۰)، و پیشرفت را «پیشرفت ظرفیتهای هر فرد برای اشکال بالاتر شادی (منفعت) انسانی و ایجاد زندگی بهتر»، معنا کرد (دانشنامه فلسفی دانشگاه استنفورد، ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۷). میل ادعا کرد که تنها ابزار پیشرفت انسان، نشو و نمای آزاد شخصیت فردی اوست (میل، ۱۳۳۸)؛ با این حال، آزادی فردی باید بر مبانی

1 - Schapiro

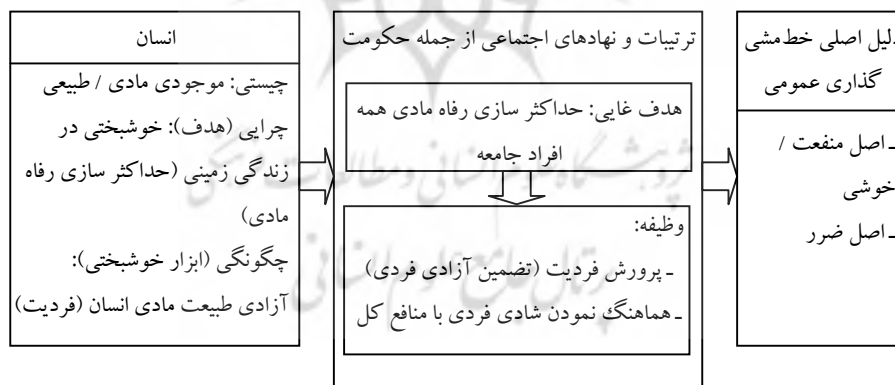
اخلاقی استوار، و متوجه منافع عمومی گسترده‌تر باشد (بُنانو، ۲۰۰۰). شالوده اخلاقیات میل، فایده‌گرایی بود (کاپلستون، ۱۳۷۰، ج ۸). او ادعا کرد هدف اخلاق، لذت است. معمولاً احساسات اخلاقی در تضاد با منافع شخصی است، اما در تضاد با لذت نیست. در طبیعت انسان، اشکالی از عدالت و همدردی هست که ارضای نیازهای دیگران را به اندازه نیازهای خود فرد، لذت‌بخش می‌کند و فرد را به جامعه پیوند می‌دهد (دانشنامه فلسفی دانشگاه استنفورد، ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۷) تا جایی که "لذت همدلی با ابنای بشر ... بزرگترین و اطمینان‌بخشترین منابع خوشی شمرده می‌شود" (میل، ۱۳۸۰: ۱۴۱). میل ادعا کرد که برخی از اشکال نظم اجتماعی همدردی را محدود می‌سازد (دانشنامه فلسفی دانشگاه استنفورد، ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۷) و برخی آن را تقویت می‌کند. او مشکل اصلی جامعه لیبرال انگلستان را فساد اخلاقی، و علت ریشه‌دار شدن این فساد را پرورش و تشویق خودپسندی توسط نهادهای جامعه می‌دانست (میل، ۱۳۸۰). راه حل میل، اصلاح نهادهای اجتماعی بود به گونه‌ای که بتوانند در کنار پرورش فردیت و تضمین آزادی فردی، شادی/منفعت هر فرد را تا حد امکان در هماهنگی با منافع کل قرار دهند (دانشنامه فلسفی دانشگاه استنفورد، ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۷). هماهنگی منافع، مستلزم اجرای مقررات و کنترل است (وینکلر، ۲۰۱۱). بنابراین، ویژگی این نهادها این بود که میان قدرت و کنترل از یک سو و آزادی فردی از سوی دیگر، تعادل برقرار می‌کردند (هالیدی، ۱۹۶۸)؛ بدین ترتیب بود که میل اخلاق فایده‌گرایانه را به درون نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی لیبرال تزریق کرد و لیبرالیسم جدیدی را شکل داد که در کنار تضمین آزادی فردی به اخلاق و جامعه نیز توجه داشت.

دغدغه کلی میل در نهاد اقتصاد پیشرفت فردی بود. او ابتدا تصور می‌کرد که لسه‌فر این هدف را تأمین می‌کند (دانشگاه استنفورد، ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۷). اما نهایتاً با اصلاح جدی اصل لسه‌فر، ادعا کرد توزیع ثروت، اجتماعی است و دولت می‌تواند در آن مداخله کند (شاپیرو، ۱۹۴۳). او در نهاد سیاست، برتری طبقات اشرافی را عامل بزرگ ایجاد فساد اخلاقی دانست (میل، ۱۳۸۰) و ادعا کرد نهادهای دموکراتیک، بهتر از سایر گزینه‌ها، باعث خوشی و پیشرفت انسان می‌شوند (دانشگاه استنفورد، ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۷). میل با کارگران همدردی، و از حق رأی همگانی دفاع می‌کرد و در عین حال با حاکمیت اکثریت مخالفت می‌نمود! زیرا تحت تأثیر الکسی دو توکویل، باور داشت که دموکراسی می‌تواند به استبداد منجر شود (میل، ۱۳۸۰). میل برخلاف بسیاری از متفکران معاصر

خویش، راهکار پرهیز از استبداد اکثریت را محدود کردن حق رأی ندانست (میل، ۱۳۶۹). در مقابل ادعا کرد که می‌توان در عین اعطای حق رای عمومی از استبداد اکثریت جلوگیری کرد؛ مشروط بر اینکه انتخاب‌کنندگان باسواد و آموزش‌دیده، نخبگان و افراد تحصیل کرده را به نمایندگی خود برای قانونگذاری برگزینند! (دانشگاه استنفورد، ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۷). در نهاد اجتماع، میل ادعا می‌کرد که دیکتاتوری رسوم و سنتها (میل، ۱۳۳۸) و تمایل روزافزون به گسترش قدرت جامعه بر فرد (میل، ۱۳۸۰)، مانع اصلی پیشرفت است. او همصدا با رمانتیک‌ها، ادعا کرد که در عهد کنونی، فرد در میان جمعیت گم شده است و افکار عمومی بر جهان حکومت می‌کند (میل، ۱۳۳۸: ۱۴۶). در عین حال، همچون سرمشقه‌های فرانسوی خود و به مثابه فردی که "هرگز ایمانی مذهبی ندارد" (میل، ۱۳۸۰: ۶۰)، ادعا کرد که کوششهای معطوف به زنده کردن چیزهای زیان-بخش گذشته و وضعی که مردم در حال حاضر به آن می‌بالند و رستخیز مذهبی‌اش می‌نامند، موجب می‌شود که افکار عمومی جامعه از عقاید و افکار سنتی و مذهبی پاسداری کند و در برابر اشخاص دگراندیش ناشکیبا باشد و این کشور [انگلستان] برای آزادی فکری نامناسب شود (میل، ۱۳۳۸: ۷۷ و ۷۸). از این رو خودش با نام آزادی فکری به مبارزه با مذهب برخاست. او ادعا کرد که بهترین روش تحقق رفاه فردی و اجتماعی، آشکارشدن حقیقت، (شاپیرو، ۱۹۴۳) و تنها معیار معتبر برای کشف حقیقت، عقل انسان است. حقیقت، فقط با رقابت آزاد در دید افکار عمومی آشکار می‌شود (میل، ۱۳۳۸). مذهب، مانع ارزیابی انتقادی هنجارهای اجتماعی می‌شود و از تغییرات اجتماعی به نفع بهبودی انسان جلوگیری می‌کند. بنابراین، مذهب مانع پیشرفت انسان است (دانشگاه استنفورد، ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۷).

تحلیل اصول منفعت / خوشی و ضرر: پیش از بنتام و میل، لیبرالها باور داشتند که آزادی فردی، هنجاری به‌خودی‌خود ارزشمند، و اصلی‌ترین وظیفه حکومت، تضمین آزادی فردی است (دانشگاه استنفورد، ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۰). بنتام ادعا کرد وظیفه حکومت، خوشبختی اجتماع است و میل، آزادی فردی را به مثابه ابزار پیشرفت در نظر گرفت و خواستار محدود کردن دامنه آن با استناد به منافع جمعی شد. او با این کار، لیبرالیسم را از نظریه‌ای سیاسی به نظریه‌ای اخلاقی تبدیل کرد (دانشگاه استنفورد، ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۰)؛ نظریه‌ای که بر مبنای باورهای فایده‌گرایانه در مورد انسان و حکومت بنا شده است. میل به تبعیت از بنتام، ادعا کرد که مبنای تصمیم‌گیری و معیار درستی یا نادرستی در سطح حکومت، تأمین حد اعلای خوشبختی برای تعداد هرچه بیشتری از

مردم است (اصل منفعت)؛ زیرا هدف غایی حکومت، تأمین خوشبختی مردم است (میل، ۱۳۶۹: ۵۰) و بهترین حکومت، حکومتی است که ظرفیت هر فرد از آحاد جامعه را برای رسیدن به اشکال عالیتر شادی (منفعت) انسانی، ارتقا دهد و موجبات پیشرفت آنها را فراهم آورد (دانشنامه فلسفی دانشگاه استنفورد، ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۷). حکومت تجلی خواست مردم، و کاملاً با آنها یکی است (میل، ۱۳۳۸). بنابراین هدف حکومت، همان هدفی است که همه افراد جامعه در پی آنند. میل ادعا کرد که همه افراد جامعه در پی حداکثر کردن رفاه خودند (شاپیرو، ۱۹۴۳)؛ زیرا او همانند اصحاب روشنگری باور داشت که انسان موجودی مادی، فاقد مفاهیم فطری و هر گونه هدف یا مقصد از پیش تعیین شده است. بنابراین نگرش آدمی دنیوی، و علاقه او به زندگی روی زمین معطوف است. از نظر میل، تنها ابزار تحقق خوشبختی انسان، پرورش فردیت و آزادی فردی است. اما پی جویی خوشی و منافع شخصی، باید بر مبنای اخلاق و با توجه به منافع عمومی باشد؛ زیرا در طبیعت انسان، اشکالی از عدالت و همدردی وجود دارد که ارضای نیازهای دیگران را به اندازه نیازهای خود او، لذت بخش می کند. از این رو حکومت و سایر نهادهای اجتماعی موظفند که میان قدرت و کنترل از یک سو و آزادی فردی از سوی دیگر، تعادل برقرار کنند (اصل ضرر). (نمودار ۲)



نمودار ۲ - تأثیر باورهای بنیادین بر دلیل اصلی خط مشی گذاری عمومی در جوامع لیبرال

بخش دوم - بررسی چگونگی تأثیر باورهای بنیادین اسلامی بر دلیل اصلی خطمشی‌گذاری در ایران

فرهنگ ایرانی، سلسله مراتب پیچیده‌ای از باورها و ارزشهاست که در کنار انبوه مصنوعات به پویای خویش ادامه می‌دهد. مصنوعات گوناگون و بعضاً متضادی در جامعه ایران مشاهده می‌شود؛ مصنوعاتی که برخی نمودگار باورها و ارزشهای ایرانی و بسیاری نیز تجلی بخش باورها و ارزشهای غیر ایرانی است؛ اما در سطح باورها بویژه در بنیادینترین سطح آن، وضعیت به گونه دیگری است. جامعه ایران با معدوی باور بنیادین سر و کار دارد که به‌رغم انبوه مراودات و داد و ستدهای فرهنگی، بی‌هیچ تغییری تا امروز باقیمانده است. این باورهای بنیادین تا حد قابل ملاحظه‌ای در اسلام ریشه دارد. تا جایی که به جرأت می‌توان گفت که در این سطح از باورها، مهمترین و کلیدی‌ترین عنصر فرهنگ ایرانی، اسلام است.

از این رو این بخش از نوشتار می‌کوشد تا با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی جهتدار پنج اثر از آثار علامه عبدالله جوادی آملی، دلیل بنیادی خطمشی‌گذاری در جامعه اسلامی ایران را تبیین کند؛ با توجه و تأمل بر اینکه ایشان، یکی از فیلسوفان معاصر و نماینده برجسته نحله فکری مدافع سیاست و حاکمیت دینی در جامعه معاصر ایران است.

تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار: تحلیل محتوای کیفی برای تفسیر ذهنی - محتوایی داده‌های متنی از طریق فراگردهای نظام‌مند مقوله‌گذاری، کدگذاری و تم سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده به کار می‌رود (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). رویکرد جهتدار، معمولاً بر نظریه متکی است و از روش قیاسی استفاده می‌کند؛ به بیان دیگر در تحلیل محتوای کیفی با رویکرد جهتدار، پژوهشگر از ابتدای تحلیل، مقوله‌ها و تمها را در اختیار دارد؛ تمها و مقوله‌هایی که از نظریه‌ها یا یافته‌های تحقیقی مرتبط پیشین به دست آمده است (ویلث میوس و جان، ۲۰۰۹). لینکلن و کوبا، چهار معیار اعتبار، انتقال، اعتماد و تأیید را برای ارزیابی تحقیقات کیفی پیشنهاد می‌کنند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). مجموعه‌ای از فعالیتها می‌تواند قابلیت اعتبار نتایج تحقیق را افزایش دهد که کنترل تفاسیر در مقابل داده‌های خام و گزارشگری از همکاران از جمله آنهاست. شیوه اصلی ایجاد قابلیت اعتماد و قابلیت تأیید، ارزیابی فراگردها و یافته‌های تحقیق است. قابلیت اعتماد در اغلب موارد از طریق ارزیابی توافق میان کدگذاران و قابلیت تأیید از طریق کنترل انسجام داخلی

دستاوردهای تحقیق، یعنی داده‌ها، یافته‌ها، تفاسیر و توصیه‌های آن به دست می‌آید. تعیین قابلیت انتقال نیز به خوانندگان بستگی دارد (ویلث میوس و جان، ۲۰۰۹).

این پژوهش، تم اصلی و مقوله‌های مورد نیاز برای تحلیل آثار علامه جوادی آملی را از یافته‌های هرمنوتیک به دست آورد. بر مبنای این یافته‌ها، تم اصلی این تحلیل، رابطه میان انسان و حکومت، مقوله‌های اصلی آن انسان و حکومت و مقوله‌های فرعی آن چیستی، چرایی و چگونگی انسان و اهداف غایی و میانی حکومت است. واحد تحلیل، جمله است و در فراگرد تحلیل از ساده سازی و فشرده‌گی واحد تحلیل استفاده شده است.

تحلیل کیفی داده‌های متنی آثار علامه جوادی آملی

انسان (چیستی، چرایی و چگونگی): انسان موجودی طبیعی و فراطبیعی، (جوادی آملی، ۱۳۸۱:ب: ۲۹) و ترکیبی از جسم و روح است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۲۷، ۱۹۷). در تعریف انسان، اصالت از آن روح و جان اوست (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۰۳). روح انسان از دو قوه فطرت و طبیعت برخوردار است (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۶۹). فطرت در نهاد انسان به صورت دفیئه و گنجینه مدفون است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۲۰)؛ گنجینه‌هایی که برخی به علوم، معارف و دانش و برخی به گرایشهای پاک و الهی انسان مربوط است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ب: ۲۷). فطرت در میان همه افراد بشر مشترک، و فرا طبیعی، مجرد، ثابت و غیر متغیر است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ب: ۳۴۱ و ۳۴۲)؛ به تعبیر دیگر، انسان با دلمایه خلق شده است؛ ولی این دلمایه، نظیر معدن مستور است (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۹۸، ۱۲۱، ۱۲۲). فطرت حق‌پویی و حق شناسی و حق خواهی، چگونگی هستی و هویت انسان است (جوادی آملی، ۱۳۷۶: ۵۴). انسان بر اساس فطرتش، موجودی عالم، عارف و اهل قسط و عدل است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ب: ۵۱ و ۵۰). اسلام، اصول و اساس حیات فردی انسان را بر مبنای فطرت او بنا نهاده است. از این رو در فرهنگ اسلام، دو اصل توحید و عدالت، شالوده شاکله وجودی انسان قرار داده شده است. انسان خلیفه خداست و برای رسیدن به کمال و سعادت خلق شده است. کمال به معنای ظهور و بروز قوا و به فعلیت رسیدن استعدادها، نهفته در انسان است. قلمرو سعادت انسان، فراتر از مرز دنیاست. کمال مطلق، منحصرأ برای ذات ربوبی است و معیار کمال فردی و اجتماعی، میزان قرب و بعد به کمال مطلق است (جوادی آملی،

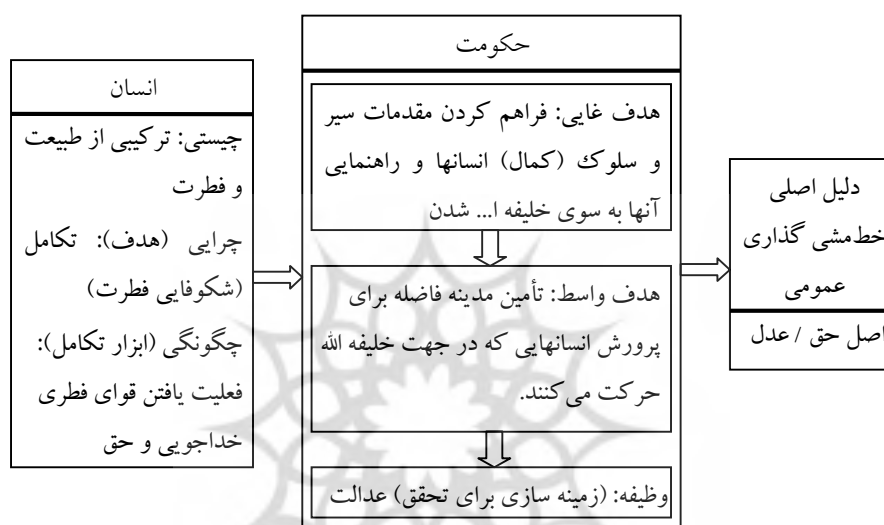
۱۳۸۷: ۱۹۴، ۵۶، ۶۶، ۲۰۷، ۴۰۰). انسان حقیقی کسی است که حیات الهی و خداخواهی فطری خویش را به فعلیت برساند و مراحل تکامل را تا مقام خلافت و مظهریت اسمای حسنا الهی و تخلق به اخلاق الله بپیماید (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۵۱). از این رو هدف اصیل آفرینش انسان، رسیدن به مقام شامخ لقاء الله است و اهداف دیگر، اهداف متوسط است. پیامبران برای بیداری و شکوفایی فطرت انسان به رسالت مبعوث شده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۷۶: ۱۵۱، ۷۴) و برای شکوفا شدن فطرت، تکالیفی برای بشر قرار داده شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۴۶۶). اگر قوه خداجویی و حقیقت‌طلبی که در انسان هست به فعلیت رسید، فطرت در او شکوفا شده است. از این رو، آموختن معارف حق و قوانین عدل به انسان به معنای شکوفا کردن فطرت انسان و راهنمایی کردن او به مقصود است (جوادی آملی، ۱۳۷۶: ۴۲، ۱۷۳). عقیده به توحید، بسان لوحی است که اگر باز گردد، صفحه‌اش نظام اخلاقی و عملی بنا شده بر قسط و عدل در جامعه است. نتیجه اینکه گستره توحید و اعتقاد و پایبندی به آن، نظام پر از عدل و داد است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۹۱، ۹۲). انسان وقتی به کمال می‌رسد که بر اساس حسن اختیار خود حق را بپذیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳۳)؛ مراد از حق همان عدل است. انسان برای ظهور قوای خویش به معاشرت با دیگران نیازمند است. اصل اجتماعی بودن، نسبت به فطرت وی، طبیعی و نسبت به طبیعت او، تحمیلی است. کمال انسان یا فعلیت قوای او، زمانی است که وی در میان هم‌نوعان خود، و با آنان حشر و نشر داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۹۴، ۲۵ - ۲۳، ۴۴، ۴۵، ۶۶). البته سوء تربیت جامعه می‌تواند انسان را آلوده کند. در واقع صحابت با سالکان کوی حق در تهذیب روح سهم بسزایی دارد و رفاقت با غافلان و سیه‌دلان نیز در تیرگی آن تأثیر فراوانی دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۶: ۴۲، ۳۹۰). اصول و اساس حیات اجتماعی انسان بر مبنای فطرت او بنا شده است و شالوده زندگی و اساس روابط اجتماعی بر دو اصل توحید و لوازم آن و عدالت و توابع آن استوار است. توحید در همه شئون حیات اجتماعی افراد ظهور دارد. نتیجه گستره توحید و اعتقاد و پایبندی به آن، نظام پر از عدل و داد است. زندگی اجتماعی استوار بر اصل توحید، عامل سعادت و پیشرفت است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۶۷، ۹۱ تا ۱۰۱، ۱۹۴، ۲۰۷، ۱۸۸).

حکومت: جامعه، متشکل از مردم و حکومت است. انسانها برای رسیدن به کمال، نیازمند قانون هستند. بنابراین در هر جامعه انسانی، نهاد سیاسی - حکومتی لازم است. انسان، حتی اگر تنها هم زندگی کند، نیازمند قانونی برای چگونگی زندگی و تأمین سعادت اخروی است (جوادی آملی،

۱۳۸۷: ۵۶، ۴۰۱، ۸۶ و ۸۷، ۳۶۹). تنها کسی که بالاصاله حق ولایت و سرپرستی انسان و جامعه بشری را دارد، خالق انسان و جهان است. ولایت خداوند بر انسان به معنای جبر و تحمیل دین بر او نیست؛ بلکه با اختیار و اراده خود انسان صورت می‌گیرد. ولایت انبیا و اولیای الهی بر جامعه انسانی، مظهري از ولایت خداوند و به اذن و فرمان اوست. از میان انسانها نیز آن کس می‌تواند جانشین خداوند باشد و از سوی او بر مردم حکومت کند که در مقام علم و عمل، عصمت داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۱ ب: ۹۷، ۱۴۶ تا ۱۴۹). مهمترین هدف حکومت اسلامی، همانا دو چیز است: الف - راهنمایی انسانها به سمت خلیفه الله شدن و فراهم کردن مقدمات سیر و سلوک آنها؛ ب - کشور اسلامی را مدینه فاضله ساختن^(۱)، مبادی تمدن راستین را مهیا کردن و اصول حاکم بر روابط داخلی و خارجی را تبیین کردن. تأمین مدینه فاضله نیز برای پرورش انسانهایی است که در جهت خلیفه‌الله شدن گام بر می‌دارند و اصالت در بین دو رکن یادشده، همانا از آن خلافت الهی است (جوادی آملی، ۱۳۸۱ الف: ۳۳۲). البته هدف عمومی همه پیام‌آوران الهی و زمامداران حکومت اسلامی در همه تاریخ، همانا قسط و عدل جامعه است. قسط و عدل هدف متوسط است؛ نه هدف نهایی. هدف نهایی همان خلیفه‌الله شدن انسان کامل است (جوادی آملی، ۱۳۸۱ ب: ۳۳۷).

تحلیل محتوای آثار علامه عبدالله جوادی آملی، نشان داد که در جهان بینی اسلامی، انسان، موجودی طبیعی و فراطبیعی، و ترکیبی از طبیعت و فطرت است. فطرت در نهاد انسان، مستور است اما می‌تواند شکوفا شود و فعلیت یابد. هدف غایی هر انسان، دستیابی به کمال یا شکوفایی فطرت او است. تنها راه کمال (شکوفایی فطرت) انسان، فعلیت یافتن قوه حق‌طلبی و حقیقت‌جویی اوست. از این رو برای شکوفا شدن فطرت انسان، باید معارف حق و قوانین عدل را به او آموخت. مهمترین هدف حکومت اسلامی، راهنمایی انسانها به سمت خلیفه‌الله شدن و فراهم کردن مقدمات شکوفایی فطرت آنهاست. برای این منظور، حکومت پیش از هر چیز باید در پی تأمین مدینه فاضله باشد؛ زیرا انسان از نظر فطری، موجودی اجتماعی است و کمال یا فعلیت قوای او زمانی است که در میان هم‌نوعان خود باشد. مدینه فاضله، جامعه‌ای است که در همه شئون حیات اجتماعی آن توحید ظهور دارد. تجلی و نمود توحید و پابندی به آن، عدل است. بنابراین حکومت اسلامی موظف است زمینه‌های لازم را برای تحقق عدالت فراهم کند. زمینه‌سازی برای تحقق عدالت به این معنا است که عدالت، هنجارها و ساختارهای حکومت را شکل دهد و به مثابه یک اصل در همه تصمیم‌های حکومتی مدنظر قرار گیرد؛ به تعبیر دیگر، باید همه تصمیم‌ها و خط‌مشی‌های عمومی با

عدالت محک زده شود؛ بنابراین در حکومتی که وظیفه آن زمینه‌سازی برای تحقق عدالت است، دلیل بنیادین خط‌مشی‌گذاری عمومی و یا معیار و ملاک تصمیم‌گیری در همه سطوح حکومتی، اصل عدل (حق) خواهد بود (نمودار ۳).



نمودار ۳ - تأثیر باورهای بنیادین اسلامی بر دلیل اصلی خط‌مشی‌گذاری عمومی

اعتبار و پایایی پژوهش: این پژوهش برای ایجاد قابلیت اعتبار از فنون گوناگونی چون تناسب واحد تحلیل، کنترل مکرر تفاسیر در مقابل داده‌های خام و مراجعه به خبرگان بهره‌گرفت. خبرگان مورد نظر، شش نفر از کارشناسان آشنا با اندیشه سیاسی اسلامی بودند که به اتفاق آرا عبارات معرف و تفاسیر پژوهش از آنها را تأیید کردند. همگی این کارشناسان مرد بودند و از نظر سنی، بین ۲۰ تا ۶۰ سال قرار داشتند. همگی از تحصیلات حوزوی و دانشگاهی برخوردار بودند؛ یکی از آنها از شاگردان برجسته علامه جوادی آملی بود. همه آنها به استثنای یک نفر از مدرک دکتری تخصصی برخوردار، و مدرس حوزه و دانشگاه بودند؛ یک نفر هم دارای مدرک کارشناسی ارشد بود. برای ایجاد قابلیت تأیید، انسجام داخلی داده‌ها، یافته‌ها، تفاسیر و نتایج تحقیق در معرض ارزیابی پنج نفر از خبرگان روش تحقیق در رشته‌های گوناگون مدیریت قرار گرفت و به اتفاق آرا تأیید شد. همگی این خبرگان مرد بودند و از نظر سنی بین ۳۰ تا ۶۰ سال قرار داشتند. جملگی

آنها دارای مدرک دکتری تخصصی بوده، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران یا امام صادق علیه السلام بودند. به این ترتیب که یک نفر با مدرک دکتری مدیریت بازرگانی، دو نفر مدرک دکتری مدیریت صنعتی و دو نفر مدرک دکتری مدیریت سیستم بودند.

قابلیت انتقال یافته‌های تحلیل محتوا به جامعه ایران

به منظور تبیین دلیل بنیادی خط‌مشی گذاری عمومی در جامعه اسلامی ایران، امکان انتقال یافته‌های تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار به جامعه کنونی ایران، مورد بررسی قرار گرفت؛ برای این منظور ۱۸ نفر از خبرگان علوم سیاسی، خط‌مشی گذاری عمومی، مدیریت دولتی و اقتصاد مورد مصاحبه قرار گرفتند و از آنها خواسته شد نظر خود را در مورد امکان انتقال یافته‌های پژوهش به جامعه کنونی ایران بیان کنند. ۱۶ نفر از این کارشناسان مرد و دو نفر از آنها زن بودند و از نظر سنی، بین ۲۰ تا ۶۰ سال قرار داشتند. همه آنها به جز سه نفر، دارای مدرک دکتری تخصصی بودند؛ به این ترتیب که هفت نفر دارای مدرک دکتری مدیریت دولتی با گرایش خط‌مشی-گذاری عمومی، یک نفر دارای مدرک دکتری مدیریت دولتی با گرایش توسعه سازمانی، یک نفر دارای مدرک دکتری مدیریت دولتی با گرایش رفتار سازمانی، یک نفر دارای مدرک دکتری خط‌مشی گذاری عمومی با گرایش نوآوری و فناوری صنعتی، یک نفر دارای دکتری علوم سیاسی با گرایش اندیشه سیاسی و چهار نفر دارای مدرک دکتری اقتصاد با گرایشهای گوناگون بودند. سه نفر نیز دانشجوی دکتری مدیریت دولتی گرایش خط‌مشی گذاری عمومی بودند. همه خبرگان به جز چهار نفر، عضو هیأت علمی دانشگاه‌های تهران، امام صادق علیه السلام، تربیت مدرس یا علامه طباطبایی بودند و با نهادهای گوناگون خط‌مشی گذاری عمومی همکاری داشتند.

به نظر یک دسته از این خبرگان، یافته‌های پژوهش، قابل انتقال به جامعه ایران نیست. اغلب آنها دو دلیل را برای این ادعا، اقامه کردند: دلیل اول اینکه دلیل اصلی خط‌مشی گذاری عمومی، مستقل از فرهنگ، و در همه جوامع یکسان است؛ از این رو، این دلیل در جامعه اسلامی ایران نیز همچون جوامع لیبرال، اصول منفعت و ضرر است؛ با این تأمل که معنای منفعت در جامعه ایران با معنای آن در جوامع لیبرال تفاوت دارد. دلیل دوم اینکه وضع زندگی و ساختارهای اجتماعی ایران، مشابه جوامع لیبرال است. این الزامات محیطی و تشابهات ساختاری، مسائل و پاسخهای مشابهی را به

جوامع گوناگون دیکته می‌کند؛ بنابراین همه عناصر خط‌مشی از جمله دلیل اصلی خط‌مشی‌گذاری عمومی در همه جوامع یکسان است.

در مقابل عده‌ای از خبرگان، تأکید کردند که الگوی پژوهش قابل تسری به جامعه ایرانی است؛ زیرا میان فرهنگ و همه عناصر خط‌مشی از جمله دلیل اصلی خط‌مشی‌گذاری، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. بنابراین به نظر می‌رسد که در جامعه اسلامی ایران نیز همانند همه جوامع لیبرال، دلیل اصلی خط‌مشی‌گذاری عمومی از باورها و مفروضات جامعه به دست می‌آید؛ بنا بر این طرز تلقی، نتیجه تأثیر مفروضات و باورهای اسلامی بر خط‌مشی حکومتی آن است که اصل حق جایگزین اصل لیبرالی منفعت شود.

نتیجه‌گیری

گسترش خط‌مشی، پدیده‌ای رایج در عرصه خط‌مشی‌گذاری جهانی است. ماهیت فرهنگی خط‌مشی، تقلید تام و کامل در این عرصه را به چالش می‌کشد و چگونگی تأثیر فرهنگ بر خط‌مشی را مد نظر قرار می‌دهد. هدف این پژوهش، بررسی چگونگی تأثیر باورهای بنیادین اسلامی بر دلیل اصلی خط‌مشی‌گذاری عمومی در جامعه ایران است. برای این منظور، بخش اول پژوهش، اصلی‌ترین دلیلی را که در اغلب خط‌مشی‌های امروزی برای توجیه فعالیت حکومت اقامه می‌شود به صورت هرمنوتیکی مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که این دلیل، لیبرالی، و بر مبنای باورهای فایده‌گرایانه در مورد انسان و حکومت استوار است. بخش دوم پژوهش با تحلیل محتوای کیفی جهتدار آثار علامه جوادی آملی با استفاده از تم اصلی و مقوله‌های حاصل از هرمنوتیک، نتیجه گرفت که بر مبنای مفروضات و باورهای اسلامی در مورد انسان و حکومت، دلیل اصلی خط‌مشی‌گذاری عمومی در جامعه اسلامی، اصل حق/عدل است؛ سپس برای سنجش امکان تسری الگو و یافته‌های تحلیل به جامعه اسلامی ایران و تبیین دلیل اصلی خط‌مشی‌گذاری عمومی در این جامعه به خبرگان مراجعه شد. برخی از خبرگان، امکان تسری الگو و یافته‌های پژوهش را به جامعه ایران تأیید، و تأکید کردند که دلیل اصلی خط‌مشی‌گذاری عمومی در جامعه اسلامی ایران، اصل حق است. البته پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های بیشتری در مورد چگونگی تسری اصل حق‌گرایی به عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی صورت پذیرد تا در پرتو آن، امکان

رسیدن به جامعه حق‌مدار فراهم شود. در واقع حاصل این پژوهش، تأکید بر این مهم است که خط‌مشی‌های ایرانی فقط زمانی از مشروعیت و وجاهت کافی برای اجرا در جامعه ایرانی برخوردار می‌شود که با حق و عدل منطبق باشند.

یادداشتها

۱- پژوهشگران برآنند که در اینجا منظور از مدینه فاضله، آرمانشهر خیالی نیست؛ بلکه شهر عدلی است که مسلمانان به ایجاد آن موظف هستند.

منابع فارسی

- آربلاستر، آنتونی (۱۳۶۸). ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب. ترجمه عباس منخبر. تهران: نشر مرکز.
- اسکینر کوئنتین (۱۳۸۰). ماکیاولی. عزت اله فولادوند. تهران: طرح نو.
- اوزر، آتیلا (۱۳۸۶). دولت در اندیشه غرب. ترجمه عباس باقری. تهران: فرزانه روز.
- ایمان، محمد تقی؛ نوشادی، محمود رضا (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. پژوهش. س سوم. ش دوم.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹). درآمدی بر جامعه‌شناسی تجدد. کتاب نقد و نظر.
- بویبو، نوربرتو (۱۳۷۶). لیبرالیسم و دموکراسی. ترجمه بابک گلستان. تهران: چشمه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۶). تفسیر موضوعی قرآن کریم: فطرت در قرآن. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱ الف). ولایت فقیه: ولایت فقاهت و عدالت. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱ ب). بنیان مرصوص امام خمینی قدس سره. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). تفسیر انسان به انسان. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). تفسیر موضوعی قرآن کریم: جامعه در قرآن. قم: اسراء.
- دورانت، ویل (۱۳۸۰). تاریخ تمدن. ج ۵ تا ۱۱. گروهی از مترجمان. تهران: علمی و فرهنگی.
- راسل، برتراند (۱۳۷۵). آزادی و سازمان. پژوهشی در بنیاد سوسیالیسم و لیبرالیسم. ترجمه علی رامین. تهران: امیرکبیر.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۲). نظریه جامعه‌شناسی در درون معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- شاپیرو، جان سالوین (۱۳۸۰). لیبرالیسم. ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی. تهران: مرکز.
- کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۷۰). تاریخ فلسفه: از بتنام تا راسل. ج ۸ ترجمه خرمشاهی. تهران: علمی و فرهنگی و سروش.
- گرین، رونالد. ام (۱۳۷۴). اخلاق و مذهب. در میرچا الیاده. فرهنگ و دین. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- میل، جان استوارت (۱۳۳۸). رساله درباره آزادی. جواد شیخ الاسلامی. تهران: بنگاه کتاب.
- میل، جان استوارت (۱۳۶۹). تأملاتی در حکومت انتخابی. ترجمه علی رامین. تهران: نی.
- میل، جان استوارت (۱۳۸۰). زندگی‌نامه خود نوشت جان استوارت میل. فریبرز مجیدی. تهران: مازیار.
- نوذری، حسینعلی؛ پورخداقلی، مجید (۱۳۸۹). روش‌شناسی مطالعه اندیشه سیاسی: متدولوژی کوئنتین اسکینر. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. ش یازدهم.
- هچ، ماری جو (۱۳۸۵). نظریه سازمان: مدرن، نمادین و تفسیری پست مدرن. ج. اول. ترجمه حسن دانایی فرد. تهران: افکار.

منابع انگلیسی

- Bonanno, Alessandro. (2000). The crisis of representation :the limits of liberal democracy in the global era. **Journal of Rural Studies**.Vol. 16 .305-323.
- Goodhart, Michael. 2000. Theory in Practice: Quentin Skinner's Hobbes, Reconsidered, **The Review of Politics**, Vol. 62, No. 3 (Summer, 2000), pp. 531-561.
- Halliday, R. J. (1968). Some Recent Interpretations of John Stuart Mill.**Philosophy**.Vol.43, No. 163.1-17.
- Ingram, Helen, Anne L. Schneider and Peter Deleon (2007).Social Costruction and Policy Design.In Paul A. Sabatier.2007. **Theories of the Policy Process**.Westview.
- Ostrom ,Elinor. (2007). Institutional Rational Choice: an Assessment of the Institutional Analysis and Development Framwork. In Paul A. Sabatier. **Theories of the Policy Process**. London: Westview Press.
- Parsons, J. E.(1972). J. S. Mill's Conditional Liberalism in Perspective.**Polity**, Vol. 5, No. 2, pp. 147-168.
- Prime Minister Strategy Unit.(2004). **Strategy Survival Guide**.
- Raadschelders , Jos C N. (1999). A coherent framework for the study of public administration.**Journal of Public Administration Research and Theory**. Vol. 9, No.2. 281.301
- Schapiro, J. Salwyn.(1943). John Stuart Mill, Pioneer of Democratic Liberalism in England. **Journal of the History of Ideas**.Vol. 4, No. 2 .127-160.
- Skinner, Quentin. (1975). Hermeneutics and the Role of History.**New Literary History**.Vol. 7, No. 1.209-232.
- Spicer, Michael W. (2008). The history of ideas and normative research in public administration:some personal reflections. **Administrative Theory &Praxis**.30(1).50-70.
- Standford Encyclopedia of Philosophy. (2007). Tue Jul 10. [http:// plato. Stanford.edu](http://plato.Stanford.edu).
- Standford Encyclopedia of Philosophy. (2010). Thu Sep 16. <http:// plato. Stanford.edu>.
- Wedel, Janine R., Cris Shore, Gregory Feldman and Stacy Lathrop. (2005). Toward an Anthropology of Public Policy .**The Annals of the American Academy of Political and Social Science**.600. 30-50.
- Winkler, Tanja. (2011). Between economic efficacy and social justice:Exposing the ethico – politics of planning. **Cities**.article in press.
- Wildemuth B. M. & Zhang, Yan. (2009). Qualitative analysis of content. In B.Wildemuth (Ed.).**Applications of Social Research Methods to Questions in Information and Library Science**. Westport, CT: Libraries Unlimited.

